

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

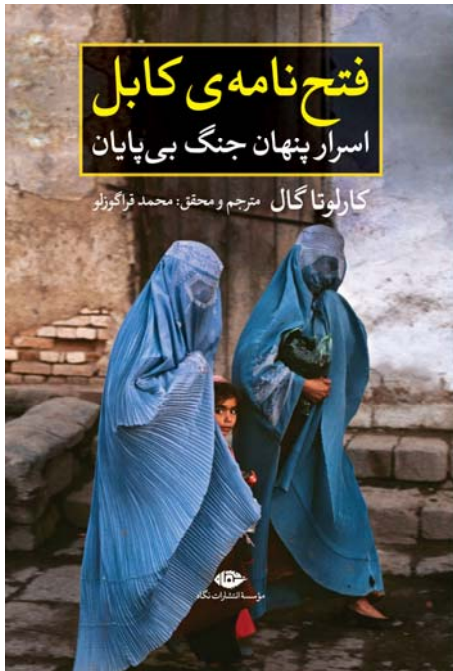
سیاسی

داکتر محمد فراگوزلو

۱۷ اگست ۲۰۲۲

۴. برهه دوم از مرحله اول جنگ بی پایان

چشم انداز "فتح نامه کابل"



یک سال پیش دقیقاً در چنین روزهایی (۱۵ اگوست) دولت محبوب ناتو در افغانستان ساقط شد. سقوط دولت پرو غرب افغانستان اگرچه قابل پیش بینی بود اما نحوه و سرعت آن در متن ترم "پیش بینی پذیری" و تجربه و دانش سیاسی کم و بیش بی سابقه و شگفتناک بود. معمولاً رژیم‌های سیاسی به چند شیوه رایج تغییر می کنند:

انقلاب اجتماعی یا سیاسی/ انقلاب رنگی یا مخملی که نوعی "رژیم چنج" لیبرالی مرسوم در دوران پسافروپاشی دیوار است (نمونه: غالب دولت‌های بلوک شرق)/ کودتا/ فروپاشی از درون (نمونه: اتحاد جماهیر شوروی)/ استحاله اقتصادی و سیاسی (نمونه: چین دوران پسانانو و حکومت شبه کودتائی هواکونگ و دنگ شیائوپینگ)/ رژیم چنج به گونه دخالت نظامی امپریالیستی (عراق و لیبیا و افغانستان پسا یازده سپتمبر....)

تا پیش از سقط شدن دولت اشرف غنی تجربه ثبت شده ای در اختیار

ما نبود که یک رژیم سیاسی تا بناگوش وابسته و گوش به فرمان و متکی به بلوک امپریالیستی غرب به اعتبار زور اسلحه سبک مردان پاپتی و جنگجویان موتور سوار کم تجربه مثل کرباس کهنه جر بخورد و پاره پوره شود. شاید بتوان گفت و پذیرفت که تجربه سقوط موصل در جریان حمله جهادی‌های داعش (۱۰ جون ۲۰۱۴) از چند منظر هفت سال بعد ماکت بسیار بزرگتری از فروپاشی یک دولت را به همان شکل و شمایل بازسازی و شبیه سازی کرد. دولت‌های عراق (نوری مالکی) و افغانستان (اشرف غنی) هر دو دست نشاندۀ ناتو و برآمده از توافق تمام عیار امریکا و دولت‌های منطقه بودند. پولیس و ارتش‌های هر دو دولت نه فقط برساخته امریکا و ناتو بودند بلکه همچون رژیم حاکم از بیخ و بن فاسد و کاغذی بودند. مردم موصل و تکریت و غیره درست مانند باشندگان عادی کل سرزمین افغانستان زیر فشار دولت‌های سرکوبگر حامی این یا آن مذهب و قوم و قبیله مانند یک الیگارش‌ی به شدت مستبد و فربه بورژوا بر دو

کشور مورد نظر حاکم بودند. بیش از یک سوم اعضای پولیس و ارتش افغانستان کاغذی بودند و وجود خارجی نداشتند و حقوق و مزایای شان به جیب فرمانداران و فرماندهان تبهکار و دزد می رفت. کم و بیش تمام پیشمرگان وابسته به حزب دموکرات بارزانی که موصل را بدون شلیک یک گلوله تسلیم داعش کردند و از صحنه جنگ گریختند از فرط فساد و شکمبارگی توان جنگ نداشتند. گفته شده هشتاد هزار نفر از افسران و سربازان ارتش و پولیس افغانستان پیش از شروع فتوحات طالبان در شهرهای شمالی پست‌های خود را ترک کرده و سلاح‌های شان را فروخته بودند. همین منابع موثق خبر از اعتیاد پنجاه هزار نفر از اعضای رسمی ارتش و پولیس افغانستان می‌دهند. مضاف به این که فرماندهان سالم نظامی انگیزه ای در خود نمی دیدند تا در جنگ با طالبان کشته یا زخمی شوند و غارتگران دولت اشرف غنی و سیاستمداران جانی و راهزنی مانند مارشال دوستم و عطا محمد نور و عبدالله عبدالله و یونس قانونی و امرالله صالح و "شازده" احمد شاه مسعود در قدرت بمانند!

از دم و دستگاه و دم و دود پوشالی ارگ ریاست جمهوری کابل که بگذریم مهم‌ترین مسأله در ماجرای عروج مجدد و کسب آسان قدرت سیاسی توسط طالبان به عملکرد جنایتکارانه نیروهای نظامی امپریالیسم امریکا و ناتو در دوران اشغال نظامی باز می‌گردد. بنا به تحقیقات ناظران بی طرف و مطالعات گسترده و مستند نگارنده طی بیست سال حضور ممتد امریکا و ناتو در افغانستان (از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ تا ۱۵ اگوست ۲۰۲۱) دست‌کم ۵۲۷۰۰ غیر نظامی که اکثر آنان زن و کودک و کهنسال بوده‌اند به صورت عمدی کشته شده‌اند. وقتی که از کشتار عمدی غیر نظامیان صحبت می‌کنیم در واقع موضوع بحث‌مان در حیطه ارتکاب جنایت جنگی تعریف می‌شود. این یک ادعا از سوی نگارنده نیست. این موضوع تکان‌دهنده در ده‌ها سند مطرح و مکتوب شده و مورد تأیید افراد بلند پایه نظامی و سیاسی دولت و ارتش امریکا و انگلستان و کانادا نیز است. تا آنجا که به من مربوط است اسناد این کشتارهای عمدی را در دو کتاب اخیر مکتوب کرده‌ام. این اسناد با نام و نشان و محل وقوع جنایت و نحوه ارتکاب آن در قالب روایت‌های هولناک داستانی در کتاب‌های "قلبم را در دشت لیلی به خاک بسپار" و "فتح‌نامه کابل" - که اخیراً چاپ و منتشر شده - آمده است. نویسندگان همکار من در این کتاب‌های مستند نه کمونیست و نه "ضدامریکا" و ضدامپریالیست و ضد ناتو و پرو روس و مشابه هستند. به عکس ایشان - از جمله خانم کارلوتا گال که بیست سال در پاکستان و افغانستان بوده و به خاطر گزارش جنایات ناتو و امریکا و کتاب مورد نظر جایزه پولیتزر گرفته- یا روزنامه‌نگار نیویورک تایمز (انجیل بورژوازی غرب) و فاینشنال تایمز هستند یا استادان شاخص دانشگاه‌های ممتاز امریکا و حتا سناتورهای شناخته شده. همه این افراد در نبرد فدراسیون روسیه از دولت لیبرال فاشیست زلینسکی حمایت می‌کنند و بشدت ضد روس هستند. به این ترتیب گزارش جنایت جنگی امریکا و ناتو از سوی "خود خودی" ها روایت شده است.

نکته: متأسفانه طی ماه‌های اخیر تلاش‌های ما برای ثبت رسمی نام و نشان قربانیان جنایات جنگی ناتو و امریکا در افغانستان به منظور دریافت خسارت برای خانواده‌های فقیر و درمانده با کارشکنی دولت‌های هم پیمان ناتو به جایی نرسیده است....

باری جنایات بی سابقه ناتو در افغانستان طی بیست سال مورد نظر، چنان رمقی از مردم ستمدیده افغانستان گرفت که به راستی کمرشان شکست. چهل و و سال جنگ و بی پناهی و گرسنگی باشندگان افغان را به مفهوم واقعی کلمه منکوب کرد. به گونه ای منکوب کرد که هنگام آغاز عملیات سراسری طالبان - که خلاف سنت‌های قبیله‌ئی نه از جنوب که از شمال آغاز شده بود- مردم سرخورده فقط تماشاگر و ناظر بی طرف موتورسواران کلاشینکف به دست طالب بودند که یکی پس از دیگری شهرها را به سوی فتح نهائی کابل تسخیر می‌کردند.

در واقع در کنار مجموعه عواملی از جمله دخالت مستقیم دولت پاکستان و فساد رژیم کرزی و غنی و پوشالی بودن ارکان پوزیسیون و اپوزیسیون قلابی (باند عبدالله و حکمتیار و محمد نور و اسماعیل خان و مسعود) رژیم محبوب ناتو، ساکنان روستاها و شهرهای افغانستان طی چهل سال و به ویژه بیست سال اشغال نظامی ناتو چنان مایوس و منکوب و سرکوب شده بودند که برای شان تفاوتی نمی‌کرد که با دشنه طالب کشته شوند یا در پستوهای شکنجه‌گاه بگرام به خاک افتند.

"فتح‌نامه کابل" روایت داستانی جنایات جنگی و بسترهای اصلی ظهور مجدد طالبان است. این داستان را در بخش‌های بعدی ادامه خواهیم داد و به ماجرای جنگ و اشغال عراق هم خواهیم رسید.....

بعد از تحریر!

بعد از انقلاب ثور - با هر روایتی - باشندگان افغان چهار دولت کم و بیش مانسته و در عین حال متباین را تجربه کردند. برای مردم مسأله "نان" با توجه به درجه محدود انکشاف اقتصادی و توسعه تا حدود قابل توجهی حل شده بود. اهتمام دولت‌های چپ رفرمیست - از ترهکی تا نجیب‌الله - با وجود نقص‌های فراوان شان از یک سو و کمک و همراهی اتحاد جماهیر شوروی از سوی دیگر سطح نسبتاً مطلوبی از فقرزدائی را برای افغان‌ها به ارمغان آورده بود. مسأله "کار" با توجه به محدودیت‌های دولت و کارشکنی‌های جنگ افروزانه دولت پاکستان و تمام دولت‌ها و امارات و شیخ نشین‌های خلیج و سپس تحمیل جنگ‌های داخلی تا حدودی سامان گرفته بود. سطح گسترده "آزادی" های فردی و اجتماعی و آموزش دختران و به ویژه آزادی زنان در این برهه به راستی کم مانند بود. دولت مجاهدین - از مجددی تا ربانی / مسعود - تمام آن دستاوردها را نابود کرد. جنگ داخلی بر سر توزیع قدرت و فعالیت مرگبار حشراتی همچون حکمتیار جامعه را به آستانه فقر کامل و بیکاری و استبداد کشید. به قدرت رسیدن طالبان در به اول یک فاجعه عظیم بود. سپس نوبت تاراج ناتو و امریکا رسید. عامل این سیه روزی‌ها علاوه بر حضور جنایتکارانه ارتش‌های ناتو ابتداء دولت برگزیده و "دموکراتیک" اجلاس بن بود. حامد کرزی برای به تباهی کشیدن یک کشور و ملت بسنده می‌کند چه رسد به این که دولتش با اشرف غنی و عبدالله و دوستم و قانونی و صالح و نور و همتایان جانی ایشان همراه شود. حالا اما برای نقطه پایان نهادن بر تمام مدنیت مردم افغانستان امارت طالبان مسؤولیت را پذیرفته است. شعار « نان / کار / آزادی » که این روزها در خیابان‌های اندوه زده کابل از دهان زنان آزادیخواه افغان و حنجره مجروح قربانیان تروریسم و اسلام سیاسی و امپریالیسم بلند شده است شنونده چندان در میان محافل هواخواه "حقوق بشر" و "دموکراسی" ندارد. به ویژه که این شعار از متن جنبش کارگری مستقل و ضدسرمایه‌داری ایران برخاسته است و "بولد" کردن آن چندان به صلاح صاحبان سرمایه نیست. هر چند اینان امارت یا خلافت باشند.....

۱۶ اگست برابر با ۲۵ مرداد- اسد-